

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۲۷ اکتوبر ۲۰۲۲



شمی صلواتی

روایاهای من تحقق یافت

پرچم من زنانه است.
ضداقتدار. جنبش عدالت خواهی و برابریست.
پرچمی که با طاهره و قُرَّة الْعَيْن شروع شد و با مهسا امینی تبدیل به یک انقلاب سراسری در ایران، ...
انقلابی که جهان را لرزاند...
خلاف تفکر شما «ناسیونالیزم» که مدال افتخار را به شیر نر ذوالفقار به دست، هدیه می کنید. (علی امام شعیان)

ایمان ما به قدرت زنان
به آزادی بی قید و شرط سیاسی
به آزادی بی قید و شرط زنان،
ایمان به رهبری زنان...
به عنوان باورهای ما،
از هر پرچمی مقدمتر بوده و هست».....

در شیرنر و ذوالفقار نمی شود نشانه انسانیت یا شعور انسانی را پیدا کرد.
لطفا عرض مرا توهین، یا حمل بر بی ادبی تلافی نکنید
که فردا بهانه ای باشد برای راه انداختن کاروان انتقامجویی..... «

بحث من یک پاسخ سیاسی در پاسخ به ناسیونالیست ایرانی است .
«ناسیونالیست ایرانی جدا از ذوالفقار، علی امام شیعیان نیست شیعه‌گری یکی از پایه‌های آن است...»

پرچم شیر نر بر اساس مردسالاریست،
نشان بردگی و نابرابریست
با سنت ها و حدیث‌های اسلامی طراحی شده است .

امروز این ناسیونالیست‌های ایرانی بدون تعمق به طرف ما کمونیست‌ها اهانت و توهین، همراه با تهدید "مهر تأیید"
می خواهند... به نظر من زیاده خواهی ست، یا شاید توقع غیر معقول...
چون ما کمونیست ها ارزشهای انسانی را نه در پرچم شیر نشان بلکه آن را با پرچم خرچنگ نشان جمهوری
اسلامی،

تفاوتی در معنا این دو پرچم نمی بینیم...
«کمونیست نام دیگر انسانیت است...»
شما ناسیونالیست‌ها می توانید افتخارات خودتان را در نقش و نگار پرچمتان تصور کنید
ولی ما هم به دور از هر حقارتی ،
متأثر از جنایت حکومتها در ایران!
به خصوص حکومت جنایکار اسلامی به خونهای ریخته شده .
خیره می شویم اشک می ریزیم
و تصور می کنیم جوانان جانباخته را،
به دور از جعل تاریخ از این خونهای ریخته شده مشغول بافتن پرچمی هستیم با گیسوان بریده زنان دنیا در حمایت از
انقلاب امروز زنان ایران باجان و دل خویش،
با شعار زن، زندگی، آزادی....

با تصویری از مهسا امینی و ده ها دختر جان بر کف به عنوان پرچم ملی در سینه‌های ایرانیان، در ذهنهای ثبت
شده، است با تصور ده ها هزار خون ریخته شده جوانان آرایخواه. از نوروز خونین سنج تا گنبد کاووس ، تا
خاوران و خاورانهای گمانم، تا قتل‌های عام جمعی در گوشه و کنار ایران،

ناسیونالیست‌های ایرانی پا را پیش از حد دراز می کنند ...

به دور از انصاف غیر مسؤولانه می نویسند

و به دور از منطق پرچمی را به دست می گیرند .

به جای بحث سیاسی، یا با قمه و چماق با مخالفین خود وارد گفتگو می شوند، مثل حزب اللهی ها حمله می کنند. و
در صورت ضعف اشک می ریزند "به پرچم ملی توهین شد". مثل آیت الله ها که مدعی توهین به مقدسات می
شوند تا مخالفان خود را نابود کنند...

ایران را با رضا خان معنا نکنید

بگذارید توجیهتان کنم، شخصاً رضاخان را نه به عنوان یک شخصیت ملی بلکه به عنوان یک دست نشانده انگلیس حافظ منافع انگلیس، به عنوان یک مستبد به رسمیت می‌شناسم وقتی که سلام به هتیلر داد با یک تلگرام در دو جمله از سوی دولت انگلیس برکنار شد،

حرف حساب من این که زرنگی بس است .

با کودتای رسانه نمی‌توان شاهی را بر تخت نشاند .

اگر در انقلاب ۵۷ غریبها به کمک بی بی سی توانستند با اعدام هزاران کمونیست و آرایخواه، خمینی و جمهوری اسلامی را در ایران تثبیت کنند، امروز دیگر نه تنها ممکن نیست.. غیر ممکن است.

[ما با دستها پر طمع نیستیم

ما طرفدار رهبری جمعی در ایران هستیم .

سیستمی بر اساس ارزش‌های انسانی .

با جدائی جهل و خرافات از سیستم حکومتی،

به اشتباه روی ما حساب باز نکنید...»

در پایان به عنوان یک مارکسیست انسان‌گرا

به عنوان کسی که هیچ وقت حکومت اسلامی و آیت الله خمینی را تائید نکردم و به رسمیت نشاختم...

به عنوان زندانی سیاسی دهه شصت،

به عنوان کسی که تا به امروز برای سرنگونی حکومت اسلامی از هیچ تلاشی فرو گذار نکرده ام «اگر موفق نبودم

چون زورم نرسید»

باید اعتراف کنم که امروز با دیدن این انقلاب زنانه در ایران به رویاهام رسیدم، احساس شادابی می‌کنم وجود این

انقلاب در ایران جهان را لرزند و بذر برابری را در جهان می‌کارند...

۲۵ چهار سال پیش در اوج ناامیدی در سرودی رؤیاهای خود را به تصویر کشیدم

و اما امروز در اوج امید می‌نویسم که پیام انقلاب برابری ایران در جهان پیچید، و همراهان بسیاری یافت

من با افتخار در کنار این انقلاب هستم و از آن دفاع می‌کنم. رؤیائی که بیست و پنج سال پیش در این سروده تصور

کردم امروز آن را تحقق یافته می‌بینم.....

«در رویای انقلاب»

*با هم

چه زیباست؛ آن روز

من و تو

در کنار هم
هم سفر با قایق رانها
آوازی خواهیم خواند
اما با واژه‌های تازه
چه زیباست رویای من
زیباترین زیباها.

*کی می‌رسند؛ آن ماهرویان از راه
کی می‌زنند آتش آن حجاب حقارت را
کی می‌کنند پاره آن زنجیر اسارت را
کی می‌شود ویران آن زندان؟
کی می‌کشد ماشه سرباز ژنده پوش
کی می‌شود طغیان
کی می‌شود باران
کی می‌شود آباد آن کویر بی حاصل؟

*آه چقدر دل تنگم امروز
چقدر دلگیرم امروز
دلگیرتر از دیروز
غرق رؤیا
در جست و جوی عشق
در انتظار؛
در انتظار آن طوفان سهنماک
لرزه بر کاخ ستمکاران
در انتظار آن خورشید؛ تابناک
که بشارت روشنائی باشد
در انتظار آن باران تند رعد آسا
که نشان بهار راستین باشد
در انتظار آن فواره های آب
که زینت بخش طبیعت باشد
در انتظار آن همه سبز
آن همه گل
آن همه رؤیا
تا که عشق باغبان باشد

*من آن سبزه
زیر شب نم
دل تنگ و خسته
بیزار از این همه سردی
این همه تلخی
در رویای بهار نفسی می کشم
تا بیاید باران
تاکی شود طغیان
تاکی بروید گل از هر رنگ و نشان
تا کی شود گلستان دشت و کوه بیابان

*منم عاشق
مست عشقم
دست تنها دارم سویت ای رفیق
بیا تا در کنار هم
بادلی پر از عشق بنشینم
تا بیاید باران
تا شود طغیان
آنگاه؛ همراه امواج
به سوی سرزمین های ناشناخته
آوازها یمان را بخوانیم
عاشق تر از همیشه .
زمستان ۱۹۸۷ "شمی صلواتی"
شمی_صلواتی / سنندجیها / مهسالامینی
انقلاب / انقلاب ۱۴۰۱